

درس ۱۰ فارسی علوی

خانم آئینه و خانم قوامی نژاد



فارسی هشتم دبستان

علوی

درس دهم



درس دهم



عطار و جلال الدین محمد

فارسی نهم دبستان

علوی

درس دهم





محمد دلش برای کوچه‌های سمرقند تنگ می‌شد. این نخستین سفر طولانی او بود. در تمام شهرهای سر راه، پدرش را تقریباً همه می‌شناختند. هر دانشمندی که خبر آمدن آنها را می‌شنید، به کاروان سرا می‌آمد. محمد با دانشمندان زیادی آشنا شده بود. او نام عطار را قبلاً شنیده بود. چند بیت از شعرهایش را قبلاً از پدر شنیده و حفظ کرده بود. عطار، محمد را نزد خود صدا زد و پرسید: «از دانش چه خواندی و با خود چه داری؟» محمد گفت: «جز اندکی نمی‌دانم و حرفی ندارم که بگویم.» شیخ لبخندی زد و گفت: «همه‌ی ما جز اندکی نمی‌دانیم.» نسخه‌ای از کتاب «اسرارنامه»ی خود را به محمد داد و به پدرش گفت: «او آینده‌ی درخشانی خواهد داشت.»



یاد آوری:

در سال‌های گذشته آموخته‌ایم که شعرهای سنتی از واحدهای مصراع و بیت، ساخته شده‌اند. بیت، کوچکترین، واحد هر شعر کلاسیک (سنتی) است که از دو مصراع، تشکیل می‌شود.

مثال:

چراغِ دل به نورِ جان برافروخت

مصراع

به نام آن که جان را فکرت آموخت

مصراع

بیت



قافیه: به کلمات آهنگینی که در حروفِ پایانی مشترک بوده و در آخرِ مصراع، می‌آیند، گفته می‌شود.

مثال: «آموخت» و «برافروخت» در بیت بالا.

اگر حرفِ مشترک پایانِ دو کلمه، فقط صدای «ا» (صدای (آ) بدهد)، یا صدای «و» (صدای (او) بدهد) باشد؛ آن دو کلمه می‌توانند هم قافیه باشند.

نکته

مثال: دریا، صحرا ← هم قافیه هستند.

جادو، پارو ← هم قافیه هستند.



نکته

صداهاى ـ نیز در تشخیص حروفِ مشترکِ پایانِ کلماتِ قافیه، باید در نظر گرفته شوند.

مثال: مادر، خواهر ← حروفِ مشترک: ر

ردیف: به کلماتی گفته می‌شود که عیناً، پس از قافیه، تکرار می‌شوند.
آوردن ردیف، اجباری نیست.

زهرِ هجری چشیده‌ام که مپرس

قافیه ردیف

مثال: دردِ عشقی کشیده‌ام که مپرس

قافیه ردیف





در شعرهای سنتی (کلاسیک) - که از مصراع و بیت، تشکیل می‌شوند - طرز و شکل فرارگرفتن قافیه‌ها، قالب و نوع شعر را تعیین می‌کند.

قالب غزل:

شعری است که معمولاً ۵ تا ۱۵ بیت داشته و قافیه در هر دو مصراع بیت اول و مصراع‌های زوج آن می‌آید. غزل در موضوعات عاشقانه، عرفانی، اجتماعی و سیاسی سروده می‌شود. حافظ، سعدی و مولانا از بزرگترین شاعران غزل‌سرا هستند.

مثال:



وان مواعید که کردی مَرّواد از یادت

برگرفتی ز حریفان دل و دل می‌دادت

که دَم و همت ما کرد ز بند آزادت

جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادت

بوستان سمن و سرو و گل و شمشادت

(حافظ)

ساقیا آمدن عید مبارکی بادت

در شگفتم که در این مَدّت ایام فراق

برسان بندگی دُختر رز گو به در آی

شادی مجلسیان در قدم و مَقدم توست

شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت



طرز قرار گرفتن قافیه‌ها در قصیده، همانند غزل است. (هر دو مصراع بیت اول و مصراع‌های زوج ابیات بعدی). کمترین تعداد

بیت‌های قصیده، ۱۵ تا است.

این نوع شعر، معمولاً در موضوعات ستایش، وصف طبیعت، بند و نصیحت و مسائل اجتماعی سروده می‌شود.

مثال:



ای عجب! این راه نه راه خداست	زان که در آن اهرمنی رهنماست
قافله بس رفت از این راه لیک	کس نشد آگاه که مقصد کجاست
راهروانی که در این تعبند	فکرشان یکسره آرز و هواست
ای ربه، این درّه چراگاه نیست	ای بزه این گری پسی ناشناست
تا تو ز بی‌غله گذر می‌کسی	رهزن طرز تو را در قفاست
دیده بیندی و در آفتی به چاه	این گنه توست نه حکم قفاست
لقمی سالوس که را سپر کرد؟	چند بر این لقمه تو را اشتهاست
نفسی، بسی وام گرفت و نداد	وام تو چون باز دهد؟ بیتواست
خاله‌ی جان هر چه توانی بساز	هر چه توان ساخت در این یک بناست
کعبه‌ی دل، مسکن شیطان مکن	پاک کن این خانه که جای خداست
پیرو دیوانه‌شدن ز ابلهی است	موعظت دیو شنیدن خطاست
تا بُوَدت شمع حقیقت به دست	راهِ تو هر جا که روی روشناست
تا تو قفس‌سازی شکر خری	طوطی‌ک وقت ز دامت رهاست
حلقه نیارد به تو شعبان دهر	تا چو کلیمی تو و دینت عماست
ای گل نوزاده فخرده مباش	زانکه تو را اوّل نشو و نماست

...
(پروین اعتصامی)



قالب مثنوی :

شعری است که همه‌ی ابیات آن دارای یک وزن بوده و هر بیت آن، قافیه‌ای جداگانه دارد. از این قالب برای سرودن اشعار طولانی استفاده می‌شود؛ زیرا شاعر می‌تواند در هر بیت، قافیه را تغییر دهد و دچار کمبود کلمات هم‌قافیه نمی‌شود. «شاهنامه‌ی فردوسی»، «پنج‌گنج» نظامی و «بوستان» سعدی در قالب مثنوی سروده شده‌اند.

مثنوی در موضوعات اخلاقی، حماسی، اجتماعی، عاشقانه و عرفانی سروده می‌شود.

مثال:



برو کار می‌کن مگو چیست کار	که سرمایه‌ی جاودانی است کار
نگر تا که دهقان دانا چه گفت	به فرزندگان، چون همی خواست خفت
که میراث خود را بدارید دوست	که گنجی ز پیشینیان اندر اوست
من آن را ندانستم اندر کجاست	پژوهیدن و یافتن با شماست
چو شد مهر مه کشتگه برگنید	همه جای آن، زیر و بالا کنید
نمایند نا کنده جایی ز باغ	بگیرید از آن گنج، هر جا سراغ
پدر مُرد و پوران به آمد گنج	به کاویدن دشت بُردند رنج
به گاو آهن و بیل کردند زود	همه اینجا، هم آنجا و هر جا که بود
قضا را در آن سال از آن خوب شخم	زهر تخم برخاست هفتاد تخم
نشد گنج پیدا ولی رنجشان	چنان چون پدر گفت شد گنجشان

(ملک الشعراء بهار)



شعری است که فقط مصراع‌های زوج آن هم قافیه بوده و تعداد ابیات آن حداقل، ۲ بیت است. قطعه در موضوعات اخلاقی، اجتماعی و پند و نصیحت سروده می‌شود. از میان شاعران معاصر، پروین اعتصامی، در این قالب، اشعار زیادی سروده است.

مثال:



آن نشنیدید که یک قطره اشک	صبحدم از چشم یتیمی چکید
بُرد بسی رنج و نشیب فراز	گاه درافتاد و زمانی دويد
گاه درخشید و گهی تیره ماند	گاه نهان گشت و گهی شد پدید
عاقبت افتاد به دامن خاک	سُرخ نگینی به سر راه دید
گفت: که ای، پیشه و نام تو چیست؟	گفت، مرا با توجه گفت و شنید
من گُهر ناب و تو یک قطره آب	من ز ازل پاک و تو پست و پلید

(پروین اعتصامی)



قلب رباعی :

شعری است در دو بیت که در مصراع سوم آن، معمولاً قافیه دیده نمی‌شود.

رُباعی با کلمه‌ای آغاز می‌شود که بخش اول آن کلمه، صدایی بلند یا کشیده است.

صداهای بلند:

الف) ا ی (ای)

و (او)

ب) هر یک از حروف الفبا + ا ی (ای) : را

و (او)

پ) دو حرف الفبا + ب : بد، سِن، دُر

صداهای کشیده:

الف) دو حرف الفبا + ا ی (ای): باد، بود، دیر

و (او)

ب) سه حرف الفبا + ب : دَسْت، کِشْت، پُست

خیام از بزرگ‌ترین شاعران رُباعی‌سرا است.

مثال:

آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

(خیام)

آن قصر که جمشید در او جام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر



در شعر بالا، اولین بخش شعر «آن» است که صدایی بلند محسوب می‌شود.

قالب دو بیتی :

شعری است که همانند رباعی از دو بیت تشکیل می‌شود و قافیه‌های آن نیز، مانند رباعی است و در موضوعات عاشقانه و عرفانی سروده می‌شود.

دو بیتی با واژه‌ای شروع می‌شود که بخش اول آن کلمه، یک صدای کوتاه است.

صداهای کوتاه:

الف) اَ

ب) هر کدام از حروف الفبا + اَ : دَ، پَ

«باباطاهر» از بزرگ‌ترین شاعران دو بیتی سرا است.

که تا دامن محشر بایدم سوخت

محبّت آتشی در جانم افروخت

که خیاط اجل می‌بایدش دوخت

عجب پیراهنی بهرم بریدی

(باباطاهر)

مثال:



در شعرِ بالا، بخشِ اوّل کلمه‌ی آغازین (محبّت)، (م) است که صدایی کوتاه محسوب می‌شود.

طرز تشخیص رباعی از دوبیتی: اگر بخشِ اوّل شعر، صدایی کوتاه باشد، آن شعر «دوبیتی» است، در غیر این صورت «رباعی» محسوب می‌شود.

نکته



شعر نو یا نیمایی :

شعری است که مصراع‌های آن کوتاه و بلند می‌شوند و همانند شعر سنتی، طول مصراع‌ها در آن، یک اندازه نیست. این شعر، دارای وزن و آهنگ

بوده و قافیه در آن جای مشخصی ندارد؛ بلکه هر جا که شاعر بخواهد می‌تواند قافیه بیاورد.

شعر نو با موضوعات اجتماعی، سیاسی، عشق و درونیات فرد سروده می‌شود. بنیان‌گذار شعر نو یا نیمایی، نیما یوشیج (علی اسفندیاری) است.

مثال: من چهره‌ام گرفته

من قایم نشسته به خشکی

با قایم نشسته به خشکی

فریاد می‌زنم:

«وامانده در عذابم انداخته است

در راه پُر مخافت این ساحلِ خراب

و فاصله است آب

امدادی ای رفیقان با من.»

(نیما یوشیج)



تاریخ ادبیات



فریدالدین ابو حامد محمد عطار نیشاپوری

از شاعران و عارفان قرن ششم و ابتدای قرن هفتم هجری قمری است.

برخی از آثار: منطق الطیر، الهی نامه، اسرار نامه، تذکرة الاولیا

مولانا جلال الدین محمد بلخی (مرادوی)

از شاعران و عارفان قرن هفتم هجری قمری است.

برخی از آثار: مثنوی معنوی (شامل ۶ دفتر و ۲۶ هزار بیت و حاوی حکایت‌هایی پندآموز است)، کلیات شمس، فیه مافیه،

مجالس سبعة





هیجان‌انگیز: مَهیج (هیجان آور)، تهییج (به

هیجان آوردن)

تمسخر: مسخره، سُخره (مسخره کردن)

سَلیم: سالم، مُسَلِم، اِسلام

بقا: باقی، بقیه

حسابی: محاسبه، محسوب، حساب

عطّار: عطر، معطر، عطّاری

زیارت: زائر، مزار

هدیه: اهدا، هدایا



جمعہ کی لغت



زاد گاہ: محلّ تولّد

دروازہ: درِ بزرگی

کاروان سرا:

ماشاء اللہ: آنچه خدا خواست

شیخ:

سحاب: ابر

بدرقہ: مُشاہدت، بہ دنبال کسی رفتن

حاکم: امیر، پادشاہ

تَمَسُّخْرُ:

شگفتی: تعجّب

سلیم:

علیم: بسیار دانشمند، انسان فاضل و دانا

بحر:

بقا: جاودانگی، ہمیشگی





۱. جملات و عباراتِ درست را از نادرست تشخیص داده و مواردِ نادرست را اصلاح کن.

الف) همه‌ی ما جز اندکی نمی‌دانیم؛ یعنی؛ هیچ‌گاه نباید از آموختن دست بکشیم.

ب) تو به صورت رفته‌ای ای بی‌خبر؛ یعنی تو به چهره‌ی او توجه کردی.

پ) ضرب‌المثل «مکن نام نیک بزرگان نهان» مخاطب را به «محترم شمردن بزرگان» سفارش می‌کند.

الف) نادرست (هرچه که بیاموزیم، فقط دانش اندکی است زیرا دریای دانش، بسیار وسیع است.)

ب) نادرست (تو به ظاهر حرف توجه کردی.)

پ) درست



۲. مترادف واژه‌های داخل کمانک را از متن درس پیدا کرده و در جای خالی بنویس.

الف) پدر برای مهمان رفت. (مُشایعت)

ب) لبخندی زد و گفت (پیر)

پ) اما حالا دیگر برایش شده بود. (معمولی)

ت) سفر برای بچه‌هایی به سنّ او است. (اشتیاق آور)

الف) بدرقه

پ) عادی

ب) شیخ

ت) هیجان‌انگیز



۳. آیات زیر را به نثر روان بازگردان.

الف) آن یکی کس صد هزار آثار خاست کمترین آثار او عمر بقاست

الف) آن چیزی که هزاران نشانه و اثر از خود به جای می گذارد (علم)، کمترین، اثر و سودش، عمر جاودانه است. (علم و دانش، موجب جاودانه شدن می شود.)



ب) تو به صورت رفته‌ای، ای بی‌خبر زان ز شاخ معنی ای بی‌بار و بر

ب) تو به ظاهر حرف، توجه کرده‌ای، ای بی‌خبر، به همین خاطر از معنی که همچون شاخه‌ی درخت پر از میوه است، بی‌بهره مانده‌ای و نتوانستی، معنی را درک کنی.



۴. در متن زیر، ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کن.

محمد همان‌جا نشست و مشغول خواندن آن کتاب شد. او آن‌چنان، سرگرم خواندن شد که نشنید، شیخ هنگام رفتن به پدرش گفته بود: «مراقب محمد باش.»

وصفی: ندارد

اضافی: مشغول خواندن - خواندن آن کتاب - سرگرم خواندن - هنگام

رفتن - پدرش - مراقب محمد



۵. تعداد جملات به کار رفته در هر عبارت را از ستون مقابل پیدا کرده و به آن وصل کن. (یک مورد اضافی است)

یک جمله



دو جمله



سه جمله



چهار جمله



شیخ عطار پسر است محمد

ماشاءالله خدا نگهش دارد.

هر دانشمندی خبر آمدن آنها را می شنید.

شیخ عطار: جمله ۱ - پسر است: جمله ۲ - محمد (است): جمله ۳ -

ماشاءالله: (۳ جمله)

جمله ۱ - خدا نگهش دارد: (۲ جمله) ۲ - هر دانشمندی خبر آمدن آنها

را می شنید: یک جمله (۱ جمله)



روزنامه دیواری

۶

یک کار گروهی و کسب مهارت جمعی در نوشتن است.



فارسی نهم دبستان

علوی

درس دهم



۷. جاهای خالی را با واژه‌های داده شده، پر کن. (دو مورد، اضافی است.)

کوتاه - غزل - قطعه - بلند یا کشیده - ردیف - قافیه - مثنوی

الف) شکلِ قرار گرفتنِ قافیه‌ها در قصیده و یکسان است.

ب) به شعری که فقط مصراع‌های زوج آن قافیه دارند می‌گویند.

پ) آوردن در شعر سنتی، اجباری نیست.

ت) از قالب برای سرودن اشعار طولانی استفاده می‌شود.

ث) بخشِ اوّل رباعی یک هجای است.

الف) غزل

ب) قطعه

پ) ردیف

ت) مثنوی

ث) بلند یا کشیده



۸. با توجه به هر عبارت، واژه‌ی صحیح را انتخاب کن.

الف) نسخه‌ای از کتاب نامه‌ی عطار بود. (اسرار - اصرار)

ب) آن یکی کش صد هزار آثار (خواست - خواست)

پ) گاه نام شد گاهی سحاب. (بحرش - بهرش)

ت) این درخت علم باشد ای (علیم - الیم)

الف) اسرار

پ) بحرش

ب) خواست

ت) علیم



۹. اگر دو بیتِ اولِ شعری ابیات زیر باشد، قالب آن شعر چیست؟ . مثنوی

قصه‌ی رنجور و رنجوری بخواند بعد از آن در پیش رنجورش نشاند
گفت هر دارو که ایشان کرده‌اند آن عمارت نیست، ویران کرده‌اند



۱۰. در ابیات زیر، قافیه‌ها را مشخص کن.

الف) خوشا آنان که الله یارشان بی	به حمد و قُل هُوَ اللهُ کارشان بی
خوشا آنان که دایم در نمازند	بهشت جاودان بازارشان بی
ب) رحیله، بر در موشی نشست گربه و گفت	که چند دشمنی از بهر حرص و آز کنیم
بیا که رایت صلح و صفا برافرازیم	به راه سعی و عمل، برگ و ساز کنیم

۱۰. قافیه‌ها:

الف) یارشان - کارشان - بازارشان

ب) آز - ساز



۱۱. در نوشته ی زیر، کدام واژه، نهاد، است؟

«این نخستین سفر طولانی او بود، تا به حال این همه راه نرفته بود. سفر برای بچه‌هایی به سن او هیجان‌انگیز است؛

اما این سفر، فرق می‌کرد.»

(۱) این

(۲) این همه راه

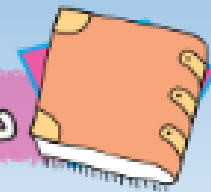
(۳) بچه‌ها

(۴) فرق

گزینه‌ی «۱»



درک مطلب



حکایت زیر را بخوان و به سوالات مربوط به آن پاسخ بده.

پسر ثروتمندی را دیدم که بر سر گور پدر نشسته و با فقیرزاده‌ای می‌گفت: سنگ گور پدر ما، از سنگ است و نوشته‌ای رنگین روی آن نقش شده و سطحش از سنگ مرمر است و خشت فیروزه‌ای رنگ در آن به کار رفته؛ اما گور پدر تو، دو خشت است که روی هم گذاشته شده و مِشتی خاک. فقیرزاده گفت: تا پدرت از زیر آن سنگ‌های سنگین به خود بجنبد، پدر من به بهشت رسیده است.

فیروزه: نوعی سنگ

خشت: آجر خام

بازنویسی از
«گلستان سعدی» باب هفتم



۱. منظور از «سخاوت» چیست؟

از جنس سنگ بود و نوشته‌ای رنگین رویش داشت.

۲. حکیم، سخاوت را برتر دانسته است یا شجاعت را؟

ثروت و تجمل و زیبایی مقبره‌ی پدرش.

۳. ویژگی‌های فرد سخاوتمند چیست؟

بی توجه به مادیات- زیرک- شوخ طبع- دانا



فارسی ششم دبستان

علوی

درس دهم عطار و جلال الدین محمد

